

اولین های مشروطه

■ فائزه توکلی* ■

جذبش مشروطه سرچشمه بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران است. ایجاد مدارس و دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی، روی آوردن به کتاب و کتابخوانی و مهار کردن خودکامگی و افکار آزدیخواهی و عدالت جویی و ارزش دادن به مطبوعات و گسترش نهادهای مدنی و گسترش نقش زنان در مسائل زنان همه و همه نشأت گرفته از مشروطه است. اولین های مشروطه عنوان مقاله ای است که بیانگر چگونگی آغاز نهادهای اجتماعی و گسترش آن در تاریخ معاصر ایران است.

اولین مدرسه دخترانه

اولین مدرسه (دبستان) دخترانه ایران، مدرسه دوشیزگان در ۱۳۲۴ هجری قمری / ۱۲۸۵ هجری شمسی توسط بی بی خانم استرآبادی (مادر علیقلی وزیر موسیقیدان ایرانی) در خانه مسکونی او با سه کلاس درس کار خود را آغاز کرد. بی بی خانم و دو دخترش مولود و افضل سه کلاس مدرسه را اداره کردند.

بی بی خانم مقدمات معلمی را در مدرسه آمریکایی ها فرا گرفته بود. بی بی خانم از زنان سخنور و نویسنده ای بود که در سال ۱۲۷۴ هجری قمری متولد شد و دختر محمد باقر خان استرآبادی (سرکرده سوار استرآباد) و از بطن خدیجه خانم (دختر آخوند ملا محمد کاظم مجتهد مازندرانی) یعنی ندیمه و ملا باجی شکوه السلطنه (مادر مظفرالدین شاه قاجار) بود (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هجری قمری). بی بی خانم در محیط اندرون ناصرالدین شاه قاجار پرورش یافت و به فرمان همین شاه قاجار همراه دختران دیگر دربار به آموختن علم پرداخت. بی بی خانم به دلیل برخورداری از سطح خوب آگاهی های اجتماعی که در طی دوران زندگی داشت، معتقد بود پسرو دختر باید یکسان آموزش ببینند و کسب معرفت کنند، و در این راه خاموش نشست، او برای رفع ظلم از زنان و رشد و آگاهی و تربیت آنان، مدرسه دوشیزگان را تأسیس کرد.

این مدرسه از نخستین دبستان های دخترانه

به روش جدید تعلیم و تربیت بود که در تهران دروازه های محمدیه، بازارچه حاجی محمدحسن واقع بود. درسهایی که تدریس می شد عبارت بود از: تاریخ، جغرافیا، نگارش، ریاضیات و علوم دینی. دانش آموزان بین هفت تا دوازده ساله بودند. بی بی خانم برای تشویق والدین درس آشنایی را نیز به درس ها اضافه و مرکزی را برای آموزش کارهای دستی افتتاح کرد. به تهیدستان جهت ثبت نام دخترانشان در مدرسه تخفیف داد. تأسیس مدرسه دخترانه برای اولین بار مخالفت هایی و نیز در بر داشت که منجر به تعطیلی مدرسه نیز گردید.

اما بی بی خانم با مکاتباتی که با برخی از علما کرد توضیحاتی درباره ارزش مدرسه های جدید و اشکالاتی که به مکتب خانه های قدیم وارد بود را در شعر و دیوانه و علی رغم درخواست حذف کلمه «دوشیزه» از عنوان مدرسه، بی بی خانم این نام را کرد و پس از بازگشایی مجدد آن، از هر دو دانش آموز یک نفر مجانی نیز ثبت نام گردید.

کلاس های «اکابر» برای آموزش بانوان بزرگسال و نیز «داوالاتی» برای دختران بی سرپرست در جنب مدرسه موجود آورد. پس از چند سال بی بی خانم «مدرسه دوشیزگان» را تعطیل کرد و دختر او مولود خانم «مدرسه پرورش دوشیزگان» را در ۱۳۲۹ هجری قمری / ۱۲۸۹ هجری شمسی گشود و دختر دیگر بی بی خانم در آن دبستان به آموزگاری مشغول

اولین روزنامه زنان «دانش»

نخستین روزنامه زبان فارسی که اختصاص به زنان داشت و به خاطر دفاع از حقوق زن ایرانی بعد از انقلاب مشروطه منتشر شد روزنامه «دانش» بود. صاحب امتیاز و ناشر این مجله خانم دکتر کحال دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی

- منابع:
۱. پیرنیا، منصور، سالار زنان ایران، تهران، ۱۳۷۴.
 ۲. کارنامه زنان مشهور ایران، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۵۲.
 ۳. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران ۱۳۶۳.
 ۴. وزیر، افضل، بی بی خانم استرآبادی و افضل وزیری مادر و دختری از پیشگامان معارف و حقوق زنان، تهران، ۱۳۷۵.

بود و از دهم ماه رمضان ۱۳۳۸ هجری قمری ۱۲۸۹ هجری شمسی تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹ هجری قمری تا سی شماره روی کاغذ نیم ورقی و هر شماره‌ای در ۸ صفحه با کاغذ روزنامه‌ای زرد به چاپ رسید. در تمام این نشریه ستون‌های مقالات قرار داشت و تصویری در آن درج نمی‌گردید. محل دفتر روزنامه دانش در تهران خیابان علامه‌الدوله شماره ۳۴ قرار داشت و چاپ آن را سه چاپخانه، مطبعه شرقی، فاروس و چاپخانه مجلس شورای ملی بر عهده داشتند. این نشریه در تهران یک‌عباسی و در شهرستان‌ها پنج شاهی قیمت داشت و از داخل کشور و خارج از ایران نیز مشتری می‌پذیرفت. موضوعاتی که در روزنامه به آن اشاره می‌شد، تربیت زنان و دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان بوده و در آغاز آن قید شده بود که «روزنامه‌ای اخلاقی و بچه‌داری و خانه‌داری است».

در سه شماره اول روزنامه دانش از دوره انتشارش نام ع. صفوت به عنوان سردبیر در زیر نام خانم مدیر قید شده بود ولی از شماره چهارم به بعد تنها نام مدیر و صاحب امتیاز را دارد. استاد محیط طباطبایی درباره نام ع. صفوت می‌نویسد: «ع. صفوت هم بعید نیست همان مرحوم صفوت تبریزی باشد که مانند امیر خیزی به همراهی ستارخان به طهران آمده بود و بعدها از ادبا و معارفیان معروف آذربایجان محسوب می‌شد».

بین اولین روزنامه منتشر شده در ایران توسط میرزا صالح شیرازی ۱۲۵۳ هجری قمری تا انتشار نشریه دانش حدود ۲۵ سال فاصله است. با این همه قدم اول آن هم از طرف زنان که همواره در قید و بند سنت‌های تحمیلی گرفتار بودند همیشه مخاطره انگیز تر است. سال ۱۳۳۸ هجری قمری در واقع سال شکوفایی نشریات در ایران است. در این سال ۱۸ نشریه در تهران، ۷ نشریه در رشت، ۴ نشریه در مشهد، ۴ نشریه در تبریز ۳۰ نشریه در اصفهان، ۲ نشریه در شیراز و در یزد، ارومیه، همدان، آراک و قزوین هر کدام یک نشریه منتشر می‌شد.

در اولین سرمقاله شماره اول مشخص است که مخاطبی جز نسوان ندارد صرفاً برای روشن کردن ذهن و فکر زنان و تشویق آنان به سواد آموزی و ادامه تحصیل منتشر می‌شود. این سرمقاله با تیتراژ «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز سخن می‌کند و ادامه می‌دهد که: «بر آریاب دانش و بینش مخفی نیست که خالق عقل و دانش و رازق کل آفرینش تربیت نوع بشر را از پسر و دختر به عهده کفایت و قوه درایت امهات نهاد، و این موهبت را به طایفه نسوان داده. زیرا تمام موالیذ از

زمان تولد تا نزدیک ده سال کسب اخلاق و تربیت از مادر می‌نمایند و تقلید از حالات و اخلاق آنها می‌کنند خاصه بنات که آنها نیز در آتیه امهات هستند و هرگاه مادر ما صاحب اخلاق رذیله باشد ناچار اولاد صاحب اخلاق حسنه نخواهد شد. پس چه باید کرد که مادرها بتوانند از عهده این خدمت به خوبی برآیند» با این استدلال با سوادان را تشویق به مشترک شدن و خواندن روزنامه می‌کند و حتی به شوهرانی که زنانشان سواد خواندن ندارند، تکلیف می‌کند که روزنامه را هر هفته برای خانم‌هایشان بخوانند تا هم کسب فیض کنند و هم به سواددار شدن تشویق شوند.

اخبار مربوط به مدارس دخترانه در غالب شماره‌های آن درج می‌شد. در شماره ۲۹ روزنامه از امتحانات مدرسه هنر دختران که دبستان مربوط به «شرکت علمیه فرهنگ» بود. تفصیلی نقلی می‌کند که شعر و خطابه ادیب الممالک و همشیره او (شاهین) در همین باب ضمن اخبار مربوط به این امتحان، وارد است.

نکته قابل ذکر اینکه امتیاز این نشریه از بانوان نبوده است، ولی چون مندرجاتش اختصاص به بانوان ایرانی و زندگی زن در جهان آن روز داشته از اهمیت خاص برخوردار است.

نویسندگان روزنامه دانش نسبت به زمان خود بسیار روشنفکر و پیشرو بودند و دختران و جوانان و حتی روستاییان را به فراگیری سواد و علم و دانش تشویق و ترغیب کردند و به این وسیله می‌خواستند زنجیرهای اسارت و محرومیت زنان را که نشأت گرفته از تحجرهای سنتی بوده است، پاره کنند. در همه شماره‌ها در



باب علم و سواد آموزی مطلبی دارد و اخبار مربوط به افتتاح مدرسه را با تریک و تهیت فرج می‌کردند. روزنامه دانش راهگشای روزنامه نگاران زن در ایران گردید و زمینه انتشار نشریات تخصصی زنان و توسعه سریع روزنامه نگاری را بعد از جنبش مشروطه ایجاد کرد.

منابع:

- ۱- طباطبایی، محیط، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۷۳، ۱۷۲.
- ۲- شیخ الاسلامی، پری، زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران، انتشارات مهر ایران، ۷۶، ۷۸، تهران ۱۳۵۱.
- ۳- ذابیره المعارف زن ایرانی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران ۱۳۸۲.

اولین کمیته نسوان ایرانی

از اولین تشکلهای زنان پس از سقوط مشروطه (دوره اول) و کودتای محمدعلی شاه (حک ۱۳۲۴، ۱۳۲۷ ق.) و آغاز دوره استبداد صغیر (۱۳۲۶ ق. ۱۹۰۸ م.) جمعیتی از بانوان با ایجاد کمیته‌ای به نام کمیته بانوان ایرانی. در پیشبرد فعالیت‌های تبلیغاتی و سیاسی انجمن سعادت ایرانیان مشارکت داشت؛ چنانکه برای افزایش دولت کودتای محمدعلی شاه و جلب حمایت افکار عمومی و دولت‌های اروپایی فعالیت گسترده‌ای به عمل آوردند. از این قبیل فعالیت‌ها می‌توان به نامه‌نگاری با ملکه‌های انگلستان و آلمان و همچنین با سازمان‌های مدافع حقوق زنان در اروپا اشاره کرد. در این نامه‌ها، کمیته نسوان ایران عملکرد و اقدامات قشون محمدعلی شاه نسبت به زنان و مشروطه خواهان ایرانی را افشامی کرد و از مخاطبان خود می‌خواست که ضمن حمایت از مبارزه مشروطه خواهان اقدامات قاطعانه‌ای برای جلوگیری از تعدی بیشتر نسبت به زنان ایرانی به عمل آورند. فعالیت‌های کمیته نسوان ایرانی موفقیت آمیز بود؛ چنانکه وزیر امور خارجه انگلیس و سفیر آلمان در عثمانی به نیابت از ملکه کشور خود به کمیته نسوان ایرانی پاسخ دادند و ضمن اعلام حمایت از مبارزه زنان ایرانی تعهد کردند که دولت‌های انگلستان و آلمان برای برقراری نظم و امنیت در ایران تلاش کنند. همچنین کمیته نسوان ایرانی از طریق ارتباط با سازمان‌های مدافع حقوق زنان در اروپا تلاش کرد تا افکار عمومی در اروپا را متوجه رویارویی مشروطه خواهان و استبداد طلبان در ایران کند و حمایت آنان را به دست آورد. در تداوم این روابط بود که به دعوت «ماری ژیلکا» کمیته نسوان ایرانی عضویت «جمعیت صلح زنان عالم» را پذیرفت. کمیته نسوان ایرانی پس از فتح تهران و استقرار نظام پارلمانی در ایران (۱۳۲۷ ق. ۱۹۰۹ م.) منحل شد.



منابع:

• تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، به کوشش و ترجمه حسن معاصر، ابن سینا، تهران ۱۳۵۳.
• حبل المتین، سال ۱۶، شماره ۲۹، ۲۳ محرم ۱۳۳۷ هجری شمسی.
• حکمت، سال ۱۷، شماره ۹۱۹، رمضان ۱۳۲۶ هجری شمسی.
• خسرو پناه، محمد حسین، هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، نشر پیام امروز، تهران ۱۳۸۱

اولین تشکل سیاسی زنان

اولین تشکل سیاسی زنان در دوره اول مجلس شورای ملی که در سال ۱۳۲۵ ه. ق. / ۱۹۰۷ م در تهران تشکیل گردید، اتحادیه غیبی نسوان بود. این تشکل بیشترین مخالفت‌ها را علیه خود داشت. به نظر می‌رسد علت مخالفت اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی و سنت‌گرایان با موجودیت و فعالیت این تشکل، آن بود که این اتحادیه بر خلاف دیگر تشکل‌های زنانه آن دوره، به اموری مانند خیاطی یا تحریم کالاهای وارداتی نمی‌پرداخت و فعالیت آن کاملاً سیاسی بود. اتحادیه غیبی نسوان خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان، برابر حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و مردان از سوی مجلس شورای ملی و رفع موانع موجود در برابر فعالیت خود بود.

تشکیل اتحادیه غیبی نسوان و ارائه برنامه اصلاحی از سوی آنان، نشانه آشکار و جدی از دگرگونی فکری زن ایرانی و خواست و اراده آنان در تغییر شرایط زندگی فردی و اجتماعی خویش و تلاش برای دستیابی به برابری با مردان است. به واقع اتحادیه غیبی نسوان

نشریه ندای وطن به تأسیس بانک ملی اشاره و مطرح کردند که «بانک ملی را برپا می‌کنیم».

جریان از این قرار بود که تقاضای دولت مشیرالدوله از مجلس شورای ملی در ۲۲ رمضان ۱۰/۱۳۲۴ نوامبر ۱۹۰۶ برای تصویب قرارداد استقراض از بیگانگان و مخالفت نمایندگان با آن، موجب شد تا طرح تأسیس بانک ملی ایران از سوی برخی از نمایندگان به مجلس شورای ملی ارائه شود و به تصویب برسد. با انتشار این خبر ملت غیور ایران... بدون تأمل به دیجان آمدند و در تهران در منابر و مساجد مردان و بیوه زنان، به فریاد آمده، اظهار نظر کردند که ملباس، فرش، مخلفات زندگی خود را فروخته و بلاعوضی به دولت داده، راضی نخواهیم شد که دوباره از خارجه قرض کنند. اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «مسئله تأسیس بانک ملی باروندی نامطلوب پیش می‌رفت. گرچه مساعی سترگی برای گردآوری سرمایه لازم از طریق اعانه انجام گرفت. حدود یک صد تن از افراد هر یک پنج هزار تومان مساعدت کردند، در حالی که پاره‌ای دیگر مبلغی حتی بیشتر تا حدود ۳۰ هزار تومان اعانه دادند. مردم فقیر هم یاری کردند. طلاب کتب خود را و زنان زیوراتشان را برای حمایت ملی فروختند. تنها در تهران یک میلیون تومان گردآوری گردید. در حالی که تبریز هم قول یک میلیون تومان دیگر از طرف خود و ایالت آذربایجان را داده بود».

اما تا زمانی که زنان آزادی خواه و مشروطه طلب به میدان نیامده بودند، روند تأسیس بانک ملی به کندی پیش می‌رفت. در این زمان، زنان مشروطه خواه با حمایت و مشارکت خود از طریق تشکیل میتینگ‌ها، انتشار بیانیه‌ها و مقالات، زنان و مردان جامعه را به جنب و جوش در آوردند و نقش بسیار مهم و باارزشی در این زمینه ایفا نمودند. در نشریات نوشتند: «چه بدبخت زنی که شوهرش فوت کند و آن بیچاره فلک زده را با چندین طفل بزرگ و کوچک، گرسنه و تشنه، نالان و گریان، بیوه و بی کس بگذارد. حال این بیثواب کاررو آورد، و پناه به که برد. حسن و جمال رفته، جوانی سررسیده، اطفال صغیر غرضه را بر او تنگ کرده و راه چاره‌اش از هر طرف مسدود. اگر درست، به حال زنان بیوه دقت کنیم و در حالت عجزشان که متحیر و سرگردانند، تأمل نمایند، حکم قطعی خواهیم کرد که هیچ درمانده‌تر از این‌ها نیست... حال همین بیروزن بیوه با این وضعیت مالی، خود را در تأسیس بانک ملی شریک می‌داند و هر آنچه دارد که چیز زیاد قابل داری هم نیست، با هیچ

تعلیمی را که در فرهنگ حاکم بر جامعه ایران برای زن و وظایف او مطرح بود، نفی می‌کرد و مفهوم جدیدی از زن و وظایف او را مطرح نمود. همچنین آنان بر لزوم مشارکت فعالانه زنان در حوزه‌هایی از حیات اجتماعی تأکید می‌کردند که نه فقط در آن زمان، که حتی تا چند دهه بعد نیز کاملاً مردانه محسوب می‌شد. علاوه بر این، اتحادیه غیبی نسوان ثمره و حاصل تفکر و عمل مردان را ناقص و ناکارآمد می‌دانست و مدعی تکمیل و تصحیح آن از سوی زنان بود.

تشکیل اتحادیه غیبی نسوان و فعالیت آن نه فقط در جامعه ایران، بلکه در منطقه خاورمیانه یک تحول و رخداد عظیم اجتماعی بود زیرا تا آن زمان در منطقه خاورمیانه، زنان نه تنها در مبارزه اجتماعی مشارکت نداشتند، بلکه در مقابله با روند آزادی خواهی و تجدید طلبی فعالیت می‌کردند، مثلاً در سال ۱۳۲۶ ه. ق. / ۱۹۰۸ م، هنگامی که در ترکیه نظام مشروطه اعلام شد، زنان با طومارهای گوناگون به مخالفت سرسختانه با حکومت قانون برخاستند.

منابع:

• روزنامه حبل المتین، سال اول، شماره ۶۲ (چهارشنبه ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۵)
• ناطق، هما، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، پاریس، تهران ۱۳۷۵
• امامی، فیض‌الله «نقش‌نشریات و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه» مجموعه مقالات همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز ۱۳۸۲

تأسیس اولین بانک ملی و نقش زنان

در زمینه تأسیس بانک ملی، اولین قشری از مردم ایران که در دوران مشروطیت به فکر ایجاد بانک ملی افتاد، زنان بودند که برای اولین بار در

چشم داشتی تقدیم مجلس می کند. و این جای تأمل فراوان دارد.

زنان که در تأسیس بانک ملی، از مردان پیشگام بودند، بر آنان اشکال می گرفتند: «شماها که این قدر بر ما خورده می گیرید، بهتر است بدانید همین زنها هستند که حافظ ادامه مجلس شورای ملی هستند. چه مجلس حکم تأسیس بانک ملی فرمود. این زن ها بودند که گوشواره و انگوی خود را فروخته، دادند، ولی مردان متمول که ثروت مملکت نزد آن هاست، در کمال بی غیرتی پول های خود را در بانک های اجانب می گذاشتند و ابتدا همراهی و کمکی نکرده اند.» لذا اقدار نامی در روزنامه ها، با عنوان هایی چون «چه مردی بود کز زنی کم بوده» مورد تمجید و تحسین قرار می گرفت تا مردان متمولی که پس از انداختن پول خود را در بانک های اروپایی نگه می داشتند، سیر مسار شوند.» نکته قابل توجه در «گردآوری» چاره برای بانک ملی، مسئله ای شد که زنان حوصله آن متشکل شدند و اولین انجمن ها و اتحادیه های خود را تشکیل دادند.

تلاش های زنان برای تأسیس بانک ملی که نشان از فهم و شعور بالای سیاسی و اقتصادی دارد، در خور توجه فراوان است. در این خصوص روزنامه مجلس گزارش می دهد: «بیوه زنان گوشواره و دستبند خود را برای ادای قرض دولت و تأسیس بانک داخله حاضر کرده، و هر یک می خواهند که در این باب بر دیگران سبق گیرند.» حتی کار به آنجا رسیده بود که زن رختشویی به محوطه مجلس رفت، یک تومانی داد و تقاضا می کرد برای بانک ملی استغاثی را بنویسند.

روزی زنی در مجلس سخنرانی سید جمال واعظ اصفهانی برخاست و گفت: «دولت ایرانی چرا از خارجه قرض می کند، مگر ما مرده ایم؟ من یک زن رختشویی هستم، به سهم خودم یک تومان می دهم، دیگر زن ها نیز حاضرند.»

البته حمایت و یاری زنان به تأسیس بانک ملی به قشر خاصی محدود نبود. نه تنها اقشار محروم و ستم کش جامعه ایران، بلکه در این خیزش عمومی، همه اقشار و طبقات جامعه مشارکت داشتند و گروهی از زنان اعیان و اشراف کشور نیز متعهد شدند بر حسب تمکن مالی خویش از یکصد تومان تا هزار تومان کمک کنند.

منابع:

امامی، فیض الله «نقش نشریات و تشکل های سیاسی و اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه» مجموعه مقالات

همایش و بزرگداشت مشروطه، تبریز، ۱۳۸۳.

اولین دارالمعلمات

در اواخر جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۶ ق. / ۱۲۹۷ ش دولت برای اولین بار اقدام به تربیت آموزگار نمود و دارالمعلمات در تهران تأسیس شد که دوره تحصیل در آن ۵ سال بود. دارالمعلمات ابتدا ضمیمه مدرسه فرانسوی پرستان گردید و ریاست آن به یوسف خان (مؤبد الملک) واگذار شد. این مدرسه در سال ۱۳۰۰ ش از فرانکو پرسان جدا و بانو فیصیح الملک مهام، مدیریت آن را به عهده گرفت؛ ولی در سال ۱۳۰۳ ش دکتر حسین صدیقی رئیس تعلیمات نسوان، یک بانوی فرانسوی را که فلرین نام داشت، برای اداره امور تعلیمات نسوان فرستاد و ویس تبدیل به مدیر مدرسه و رئیس روان شناسی کودک را مواد درسی آن اضافه نمود. شاگردان این مدرسه از جمله بنت شهره معترف بودند، به شوقه اینکه در موقع ورود ملتزم می شدند که بعد از اتمام دوره حداقل سنوات تحصیل موظف باشند در مدارس دولتی تدریس نمایند. اولین کسانی که موفق به اخذ دیپلم از دارالمعلمات شدند، عبارتند از خانم هابدرالملوک فردوسی، فرح انگیز عهدیه، عذرا مشیری، خانم آغامشه، صفری راد، محترم اخوی، بدرالدوله قاجار، مرضیه توفیق، شاهزاده ندیمی، زری شکوه، توران تیموری، کبری جاریونی، گلش شکوه، صدیقه ریاضی، سعیده قلباش و مریم راد، که از فارغ التحصیلان سال ۱۳۰۶ ش و ۱۳۰۷ ش و دارای تصدیق نامه رسمی متوسطه دارالمعلمات بودند.

از دیگر شهرهایی که در آن دارالمعلمات تأسیس شده، تبریز بود. دارالمعلمات تبریز در سال ۱۳۰۵ ش توسط میرزا محمدعلی خان تربیت، رئیس وقت معارف آذربایجان تأسیس شد. این مرکز بنای کوچکی بود که غیر از چند کلاس، فاقد تجهیزات و لوازم فنی و مابقی آزمایشگاه و تالار کتابخانه بود. در سال ۱۳۱۳ عملیات ساختمانی در آن صورت گرفت و در همان سال توسط علی اصغر حکمت افتتاح و پس از ایجاد تحولاتی در نحوه فعالیت، به دانشسرای دختران تبریز تبدیل شد.

همچنین دارالمعلمات اصفهان در سال ۱۳۰۸ ش با مشکلات فراوان، که با افزودن یک کلاس متوسطه به دبستان دخترانه ایجاد شده بود، به تدریج توسعه یافته، در سال ۱۳۱۳ به مدیریت خانم عفت سهرابی یک کلاس

چهارم متوسطه نیز در آن دایر گردید و سرانجام در سال ۱۳۱۴ به صورت یک دبیرستان کامل درآمد و در سال ۱۳۱۶ به جای کلاس های چهارم و پنجم، دو کلاس دانشسرای مقدماتی دختران نیز در آن تأسیس شد و دانشسرای دختران نامیده شد.

اولین دختران دانشجو

در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی که قانون تأسیس دانشگاه به تصویب مجلس شورای ملی رسید و دانشسراها و مدارس عالی از مؤسسات دانشگاه محسوب شدند، آموزش دختران در دانشگاه نیز در راستای سیاست های فرهنگی دولت و انجام اصلاحات اجتماعی - فرهنگی با هدف پیشرفت کشور مورد توجه قرار گرفت. اصرار و تأکید بر برخی از آموزه ها و ایجاد فضاهای آموزشی متأثر از مقتضیاتی سیاسی و اجتماعی بود که پیامدهای متعددی به همراه داشت. یکی از این پیامدها جایگیر کردن فرهنگ دانش پروری جامعه، به ویژه در میان زنان کشور بود. چنانچه خانم بدرالملوک بامداد می نویسد: «در سال ۱۳۱۴ ش پس از تأسیس دانشگاه بالاخره اولین گروه دختران که عبارت بودند از خانم ها شاهزاده اسکندری، شمس الملوک قاجار، بدرالملوک بامداد، سراج النساء (دختر هندی)، مهرانگیز منوچهریان، زهرا بیات اسکندری، بتول سمیعی، طوسی حکیمی، شایسته صدیق، تاج الملوک نخعی، فروغ و زهرا کیا (خانلری) به دانشگاه راه یافتند که همگی آن ها از زنان دانشمند، فعال و خلاقیتگزاران سرشناس اجتماعی به شمار می روند.»

منابع:

بامداد، بدرالملوک «دوران انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید» انتشارات ابن سینا، تهران ۱۳۴۷
تربتی فارسانی، سهیلا، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، تهران، پژوهشکده اسناد سازمان کتابخانه ملی ایران، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۹
حسینی، ریاب، «مدارس نسوان از آغاز تا سال ۱۳۱۴»، گنجینه اسناد پس از تهران ۱۳۷۰، ص ۸۳
یزدانی، مرضیه، «تأسیس دارالمعلمات (دانشسرای دختران) و تحصیلات بانوان»، گنجینه اسناد ۹ تهران ۱۳۷۸، ص ۵۱ و ۵۲
در کتابتایان، غلامرضا، تهافت فرهنگی زنان ایران و تأسیس مدارس دختران» مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش بزرگداشت مشروطه تبریز، ۱۳۸۳، ص ۳۳۸-۳۴۷
* کارشناس ارشد تحقیقات پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو انجمن زنان پژوهشگر تاریخ